

پیشگفتار

خدا، نه در زور، که در حقیقت است!^۱
الکساندر نِفسکی

این کتاب ماحصل بخشی از تجربه تدریس و پژوهش مؤلف در حیطه بررسی و ترجمه متون اسلامی در زبان روسی است که طی هفده سال اخیر در دانشگاه تهران تدریس نموده است.

در سال‌های اخیر شاهد افزایش پژوهش‌های آموزشی در حیطه مسائل نظری و کاربردی زبان روسی بوده‌ایم. هریک از این منابع به همراه کتب و منابع سابق، به نوعی این نیاز را برآورده می‌کنند، با وجود این نیاز به ارائه شیوه‌های متفاوت و لحاظ سلیقه مختلف از جمله انگیزه‌هایی است که امکان چنین فعالیت‌هایی را تحقق می‌بخشد. در آموزش زبان خارجی توجه به مقایسه و تطبیق مشخصه‌های زبان مبدأ و مقصد باید در ابعاد متعدد مورد توجه باشد. تلاش ما پیروی از این خط‌مشی بوده است.

هدف از تنظیم و تألیف این کتاب، در اختیار گذاردن تجربیات آموزشی و روش تدریس این درس براساس شرح درس مصوب و کمک به سامان بخشی این درس و ارتقای آموزش آن در کلاس‌های دانشگاه بوده است که مسئولان محترم انتشارات دانشگاهی «سمت» در تحقق آن از دیرباز کوشیده‌اند.

تجربه معلمی به من ثابت کرده که جمله «کونوا دعاة الناس بغير الاستتکم»، در دعوت به حق، برترین روش تربیتی است. اما برای ما معلمان غیر از متخلق بودن به اخلاق اسلامی، ارائه خوب، جاذب، متنوع و منطقی مطالب درسی که مطابق با

1. Не в силе Бог, а в правде!

نیازهای دانشجویان و کمک به یافتن پاسخ به سؤالات ایشان و محکم شدن در طریق درست باشد، اصل و ضرورتی است غیر قابل انکار؛ تفاوتی است بین راندن به طرف حق و خواندن و دعوت به حق و اگر غیر از این بود، ندای «لا اکراه فی الدین» ضرورت نمی‌داشت. با درس‌های بررسی ترجمه‌های متون اسلامی، هم بنیة علمی و تخصصی دانشجویان برای اهداف مختلف تقویت می‌شود و هم می‌توان به نیازهای متفاوت دانشجویان پاسخ داد.

وقتی دانشجو در این درس احساس کند بنیة علمی و تخصصی وی در ارتباط با زبان آموزی در قالب‌های آموزش زبان، تقویت می‌شود و هم‌زمان با ترجمه و توضیح درس‌ها، درک درستی از اخلاق و عرفان اسلامی در او ایجاد می‌شود و بن‌مایه‌های اخلاق و عرفان اسلامی را منطبق با عقل و برتر از تفسیرها و تحلیل‌های علوم تربیتی و روان‌شناسی اقتباس شده از غرب می‌یابد، اقناع و علاقه‌مند می‌شود و انگیزه‌های بیشتری پیدا می‌کند و افق‌های برتری پیش روی او باز می‌شوند.

امید است امکان برآوردن این نیاز با تمهیدات لازم و مناسب، به شکل منطقی و درست آن، در دوره‌های دکتری نیز ایجاد شود.

امیدوارم همکاران و دانشجویان و کلیه علاقه‌مندان به رشته‌های زبان‌شناسی، آموزش زبان و زبان روسی، با مطالعه و ارائه نظرات ارشادی خود، ما را در ارائه مطالب در چاپ‌های بعدی کمک و یاری رسانند. در خاتمه، جا دارد بعد از سپاس از حضرت حق در توفیق انجام این کار، مراتب قدردانی خود را از جناب آقای دکتر سید حسن زهرایی، دوست و همکار ارجمند در گروه روسی، جناب آقای دکتر عباسعلی رضایی دوست و همکار ارجمند در گروه انگلیسی، حجت‌الاسلام حاج آقا سیدمهدی موسوی، نماینده دفتر نهاد رهبری در دانشکده، به دلیل راهنمایی و مساعدت‌های ایشان ابراز نمایم.

وظیفه خود می‌دانم از جناب آقای دکتر احمد احمدی، رئیس دلسوز و کاردان سازمان «سمت»، به واسطه ترغیب و راهنمایی که باعث تسهیل و ایجاد انگیزه در انجام این کار شد و همچنین گزینش موضوعی آیات قرآن و ویراستاری علمی-محتوایی این کتاب، تشکر نمایم.

از سرکار خانم زهره حلیمی نیز که حروفچینی و صفحه‌پردازی این کتاب را به خوبی به انجام رساندند، سپاسگزاری می‌نمایم. همچنین وظیفه خود می‌دانم از همسر خانم زهرا قربانزاده به دلیل حمایت ایثارگرانه ایشان از من و دیگر اعضای خانواده و درایت ایشان در ایجاد محیطی مناسب برای امکان فعالیت‌های پژوهشی به رسم ادب تشکر خالصانه نمایم.

علیرضا ولی پور^۱
خرداد ۱۳۹۲

مقدمه

در انتخاب متون مناسب برای کلاس‌های درس دانشگاه، به نکات متعددی باید توجه نمود.

مطالب این کتاب، براساس تجربیات تدریس هفده‌ساله این درس تدوین و ارائه شده است. توصیه می‌شود، هنگام استفاده از این منبع آموزشی، استاد محترم برای هر بار تدریس، ساعاتی مطالعه و مذاقه در ابعاد مختلف مرتبط با متن داشته باشد. کلاس پربار، شیرین است و شیرینی آن به طور مساوی بین استاد و دانشجو تقسیم می‌شود. برای بحث و گفتگو بر روی سوره‌ای از قرآن یا آیاتی از سوره‌ها، ملاحظه دیگر ترجمه‌های روسی، فارسی، انگلیسی و تفاسیر فارسی و روسی لازم است، ضمن آنکه از دستاوردهای به‌روز پژوهشی که در مقالات علمی-پژوهشی مرتبط با این موضوع منعکس می‌شوند نیز، نباید غافل بود.

انتخاب و استفاده از آیات سُور قرآن و احادیث و متون اسلامی منطبق با طرح و سرفصل این درس بوده است که کوشیده‌ام کاملاً در این کتاب تحقق یابد. بررسی ترجمه‌های روسی قرآن و احادیث، حداقل از چند بُعد جاذب و مناسب برای درس ترجمه و بررسی ترجمه‌های اسلامی است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: (۱) مقایسه ترجمه‌ها و افزایش مهارت تخصصی در انتخاب و گزینش برتر؛ (۲) معرفی دیدگاه‌های اخلاق اسلامی و تلاش در به‌کارگیری کاربردی آنها؛ (۳) تجزیه و تحلیل اغلاط معنایی و دستوری، به منظور ارتقای بنیه علمی دانشجویان.

مقایسه ترجمه‌ها و افزایش مهارت تخصصی در انتخاب و گزینش برتر
برای این منظور، آیاتی موضوعی به عنوان متن ثابت در همه درس‌های کتاب مورد

مقایسه قرار گرفتند و به علت محدودیت‌های صفحات کتاب و هم از نظر اعراض از تشتت در آراء و برای زیبایی بصری، به سه ترجمه روسی و یک ترجمه فارسی در کنار متن اصلی قرآن اکتفا شده است.

در این کتاب، انتخاب موضوعی آیات از سُورِ مختلف قرآن و همچنین ترجمه خوب و روان فارسی مرحوم دکتر محمد مهدی فولادوند، با نظر دانشمند محترم، جناب آقای دکتر احمدی، صورت گرفته است. برای مقایسه روسی، ترجمه شیدفار^۱، کراچکوفسکی^۲ و پوروخووا^۳ را انتخاب کردم. ترجمه شیدفار هم از نظر زمانی بیش از پنجاه سال به ما نزدیک تر است، هم ترجمه‌ای است کاملاً متفاوت با ترجمه کراچکوفسکی و هم در برخی موارد برتر. ترجمه کراچکوفسکی گرایش به تحت‌اللفظی بودن دارد و ترجمه شیدفار اگرچه ممکن است تا حدی برای دانشجویان دشوار جلوه نماید، منطبق با اصول تئوری‌های ترجمه نگارش شده، به هر دو بُعد فرم و محتوا اهمیت داده است. نقطه مشترک این دو ترجمه در آن است که ایشان مواضع شخصی، حزبی و مذهبی نداشته و ترجمه خود را براساس نحله‌های فکری و فرقه‌ای انجام نداده‌اند. ایشان از زبان‌شناسان ادیب بی‌طرفی بوده‌اند که متن قرآن را بدون آراء حاشیه‌ای، به صورت بی‌طرفانه مورد حلاجی قرار داده و به غیر از معنا، به جنبه‌های زیباشناسانه و فصاحت و بلاغت آن توجه نموده‌اند که این موضوع آخر، در ترجمه شیدفار بیشتر مشهود است.

سرانجام، ترجمه سوم، متعلق به والریا پوروخووا، از جنبه‌هایی با ترجمه‌های کراچکوفسکی و شیدفار متفاوت بوده، جدیدترین ترجمه منظوم قرآن به زبان روسی است که با تیراژ فراوان در بین مسلمانان روس زبان توزیع شده است. ناگفته نماند این ترجمه در ایران نیز مورد ارزیابی و تأیید اداره نظارت بر چاپ و نشر قرآن کریم قرار گرفته و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آن را به چاپ رسانده است. توجه ایشان به همه ترجمه‌های ماقبل و به‌خصوص ترجمه کراچکوفسکی، عثمانف^۴ و شیدفار، و سعی در استفاده از نکات مثبت آنها در ترجمه خویش، و برخورداری

1. Б. Я. Шидфар

2. И. Ю. Крачковский

3. В. Порохова

4. М.-Н. О. Османов

این ترجمه از صنایع ادبی، که برای دانشجویان با گرایش ادبی جالب و مهم است، دلیل برگزیدن آن، به عنوان سومین اثر برای مقایسه در ترجمه قرآن در این کتاب بوده است. منابع و تفاسیر مورد استفاده ایشان هم از منابع اهل سنت و هم از منابع شیعی بوده‌اند، ضمن آنکه از منابعی که دیدگاه‌های انحرافی و غلط را دربر داشته باشند، اعراض نموده‌اند.

معرفی دیدگاه‌های اخلاق اسلامی و تلاش در به کارگیری کاربردی آنها

برای این منظور از احادیث و کلمات قصار با رویکرد اخلاقی، تربیتی و تبلیغی استفاده شده است؛ جملاتی که با احتساب برنامه زمانی و به لحاظ معرفی و القای دیدگاه‌های اخلاقی مورد نیاز جوانان، مفاهیم ساده و کاربردی دارند. این احادیث هم مورد تجزیه و تحلیل و مقایسه و بررسی همه‌جانبه قرار گرفته و هم در جایگاه خود طبق طراحی درس، در بخش تمرین، ترجمه شده‌اند؛ بدین ترتیب، به تحقق یکی دیگر از اهداف درس، یعنی ایجاد مهارت در ترجمه متون اسلامی از فارسی به روسی و برعکس، کمک خواهد شد.

در ارتباط با گنجاندن احادیث، کلمات قصار و جملاتی از رهبر کبیر و فقید انقلاب اسلامی، معرفی ایده‌های اسلامی با گرایش به معرفی روش زندگی و اخلاق اسلامی مد نظر بوده و در این مسیر، ذخیره لغت‌های مورد کاربرد و بسامد آنها دور از ذهن نبوده است. برای مثال، هنگام گزینش حدیث از پیامبر اکرم (ص) با مضمون «آن چنان که سرکه عسل را فاسد می‌کند، خشم نیز ایمان را از بین می‌برد»، بسامد کاربردی لغات و ساختار جمله و تأثیرگذاری و شفاف بودن جمله مد نظر بوده است. بنابراین، با تعداد کمی کلیشه نحوی، همه احادیث و کلمات قصار، به‌رغم سبک متفاوت، ترجمه و حفظ خواهند شد و در گفتار نیز قابل استفاده خواهند بود.

همچنین، از جنبه آموزشی، اشکالات و غلط‌هایی در ترجمه احادیث شناسایی و در درس‌ها گنجانده شده است که طبق طرح درس، ضمن تصحیح آنها، علل بروز آنها هم مورد بحث قرار می‌گیرد. معمولاً منشأ اشکالات، به ضعف در برداشت از مفهوم متن اسلامی یا انتقال آن به زبان روسی باز می‌گردد. این اشکالات

در برخی موارد به کلمات و عباراتی بازمی‌گردد که معادل دقیقی برای آنها در روسی نیست. از سوی دیگر، در بررسی ترجمه‌ها به کلماتی برمی‌خوریم که از نظر صرفی غلط نیستند، اما هنوز در واژگان روسی قرار نگرفته‌اند.

به یاد دارم، در ۱۳۷۸، روزی در ایام پس از نوروز، وابسته فرهنگی سفارت روسیه به مناسبت تبریک سال نو به کلاسی که من ترجمه و بررسی متون اسلامی را تدریس می‌کردم، آمده بود. بعد از کمی خوش‌وبش و گفتگو، چشم ایشان به جمله‌ای افتاد که روی تخته نوشته شده بود.

جمله‌ای بود که توسط دانشجویان ترجمه شده بود و من آن را اصلاح کرده بودم. این جمله با کلمه‌ای از امیرالمؤمنین حضرت علی (ع) شروع می‌شد. از ایشان پرسیدم: نظر شما در مورد ترجمه آن جمله چیست؟

پاسخ داد: خوب ترجمه شده، ولی ما در زبان روسی کلمه‌ای تحت عنوان “повелитель правоверующих” نداریم!

کلمه روسی برای آن “повелитель правоверных” است. وقتی به او گفتم در کتاب‌های روسی می‌نویسند و نمونه‌ای را که داشتم به وی نشان دادم، نگاه کرد و گفت: این کار اس‌ان‌گی^۱ هاست!

درست می‌گفت. چنین کلمه‌ای در لغت‌نامه‌های روسی نبود. چون این زبان متعلق به روس‌هاست، باید از کلمات خودشان استفاده کرد و از کلمات ساخته‌شده توسط خارجی‌ها، به‌خصوص وقتی چنین کلمه‌ای وجود دارد، پرهیز کرد.

تجزیه و تحلیل اغلاط معنایی و دستوری، به منظور ارتقای بنیه علمی

دانشجویان

با توجه به اقتضای زمان‌بندی، سرفصل و حجم درس، از آیه‌های موضوعی، در هر درس گنجانده شده است. بررسی پانزده آیه در هر درس اگر با آمادگی قبلی

۱. СНГ: کشورهای مشترک‌المنافع هستند که پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، به استقلال رسیدند و حول محور اقتصاد و برخی مناسبات دیگر، تمهیداتی را برای یکدیگر قائل شدند و اجرا نمودند.

دانشجو باشد، میسر است. یادآور می‌شوم در کتاب بررسی ترجمه متون اسلامی برای رشته انگلیسی، در هر درس حدوداً هفتاد آیه گنجانده شده است! با وجود این، با توجه به فراخور سطح کلاس، مدرس این درس می‌تواند بررسی تعداد آیات را کم یا اضافه نماید. انتظار می‌رود برای ایجاد بنیه علمی لازم در این تخصص، بخش تئوری‌های ترجمه و تمرینات کاملاً ارائه شوند و انجام پذیرند.

برای نشان دادن اغلاط معنایی و دستوری که عدم اصلاح آنها باعث تغییر مفاهیم آیات می‌شود، در بخش تئوری و معادل‌یابی از برخی آیات سوره‌های دیگر قرآن نیز به عنوان مصادیق و مستندات استفاده شده است.

همچنین برای ارتقا و افزایش دانش زبانی دانشجویان، متون مناسبی از ترجمه‌های اسلامی به فارسی، به منظور خواندن و درک مفهوم متن، تدوین و گنجانده شده‌اند. این متون، دربردارنده کلمات و اصطلاحاتی است که مفاهیم اسلامی از طریق آنها منتقل می‌شوند و اگر احاطه و آشنایی به وجود نیاید، رنگ و سبک متن اسلامی صدمه می‌بیند یا اصطلاحات مذهبی غیر اسلامی مورد کاربرد در مسیحیت، ناخودآگاه جایگزین آنها می‌شود.

توجه: ترتیب قرار گرفتن آیات در بخش بررسی و مقایسه آیات قرآن به این ترتیب است: ترجمه اول به شیدفار، ترجمه دوم به کراچکوفسکی و ترجمه آخر به پوروخووا تعلق دارد.

تئوری‌ها، سوابق و گرایش‌های ترجمه قرآن در روسیه

طی چند دهه اخیر، فعالیت‌های گسترده‌ای در روسیه در زمینه ترجمه قرآن و دیگر متون اسلامی به زبان روسی صورت گرفته‌اند. امروزه، توجه به مقالات و بحث‌های نظری درباره ترجمه‌های قرآن به زبان روسی و کنجکاوی در چگونگی انجام آنها، مورد توجه محافل مختلف فرهنگی و ادبی است. مبنای شروع نقطه تاریخی آثار بررسی شده در این کتاب، از ترجمه کراچکوفسکی است.

در سال‌های اخیر نزدیک به ده ترجمه از قرآن به زبان روسی انجام شده

است، اما بیشتر این ترجمه‌ها نقایصی دارند و پاسخگوی نیازهای جامعه‌ی امروزی مسلمانان روسیه نیستند.

علمای اسلامی حداقل شرایطی را برای مترجم قرآن قائل‌اند که به کمک آنها، امکان درک و انتقال درست مفاهیم قرآن فراهم می‌گردد. مهم‌ترین این شرایط به شرح زیر است:

دانش لغت‌شناسی؛ به حدی که به واسطه‌ی آن، کاربرد درست لغات مترادف و هم‌خانواده برای مترجم معلوم باشد؛ دانستن علم صرف و علم نحو، سبک‌شناسی، بلاغت؛ و اطلاع از آیات محکم و متشابه، تاریخ اسلام، معناشناسی تاریخی، شأن نزول آیات، سیر تاریخی نزول آیات و سوره‌ها، اطلاع لازم از فقه اسلامی، اطلاع از سیره نبوی و علم حدیث. بی‌توجهی به احراز این شرایط متأسفانه اشکالات عدیده‌ای را در راه ترجمه‌ی قرآن به زبان روسی به وجود آورده و گاه به تحریف ناخواسته‌ی آن انجامیده است به حدی که در مواردی نمی‌توان به برخی اشتباه‌ها با دیده‌ی اغماض نگریست.

بی‌تردید انجام ترجمه‌هایی صحیح از قرآن و دیگر متون اسلامی به زبان روسی کاری است پرزحمت و تلاش وسیعی را می‌طلبد. مترجم قرآن باید اطلاعات گسترده‌ی فراوانی در علم صرف و نحو و هم در امور نظری ترجمه داشته باشد. او همچنین لازم است دارای مطالعات تاریخی در امور مذهبی بوده، از دیگر ادیان الهی نیز اطلاعاتی داشته باشد. با بررسی‌های انجام‌شده می‌توان گفت در زبان روسی ترجمه‌ای نسبتاً کامل از قرآن کریم که مفاهیم دقیق و عمیق آن را منعکس کند، وجود ندارد.

از علل مهم بروز اشکال و کیفیت ضعیف در ترجمه‌ها، عدم برخورداری شناخت ایدئولوژیک از اسلام بوده است. برخی مترجمان، مسیحی بوده و برخی اصولاً دینی نداشته‌اند و نتوانسته‌اند به مفاهیم والای قرآنی دست یابند. گاهی عدم توفیق در ترجمه به علت عدم اطلاع از آداب و فرایض و احکام اسلامی بوده است. پوروخووا «ایاک نعبد» را ترجمه کرده است:

Лишь пред Тобой колени преклоняем. فقط در برابر تو زانو می‌زنیم.

مسلم است این نوع احترام، به آیین اسلامی اختصاص ندارد و به آداب عبادی مسیحیت نزدیک است. در سوره فاتحه، معنی عبادت، فعل عبادی خاصی را دربر

نمی‌گیرد، بلکه معنای عمومی عبودیت را در ابعاد گسترده و عمیق آن شامل می‌شود. البته مواردی وجود دارند که کار مترجم بسیار مشکل می‌شود. او از یک طرف معادل ندارد و از سوی دیگر فهم آن کلمه یا ترکیب در زبان مقصد قابل درک نیست. کلماتی مانند انفاق، صدقه، روزه، زکات، جهاد، نماز، رکوع، سجود و ... برای ما ایرانیان بیگانه محسوب نمی‌شوند و کاملاً مفهوم‌اند؛ زیرا از دیرباز با قرآن کریم و این کلمات انس و الفت داشته‌ایم.

ما اگر زبان عربی معاصر را نمی‌دانیم، ولی با بسیاری از کلمات زبان قرآن، تا حدی آشنا هستیم و آیات قرآن به گوش ما مأنوس‌اند و کم‌وبیش معانی آنها به طور تقریبی برای ما متصور می‌شوند. اما برای یک فرد روس، فعلاً چنین وضعیتی وجود ندارد و پیداست که این خلأ تاریخی هزار و چهارصد ساله، باید به‌مرور پر شود. به همین علت، ترجمه قرآن از عربی به روسی مانند ترجمه قرآن از عربی به فارسی نیست و گاه باید خطاهایی را که از مترجمان قرآن در اتحاد جماهیر شوروی سابق و روسیه کنونی در عدم ارائه دقیق معنا سر زده است، تا حدی نیز معلول این خلأ و تفاوت دانست.

عثمانف در ترجمه انفاق، در آیات متعددی آن را قربانی کردن ترجمه کرده است.

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ^۱

- همانان که نماز را به پا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند.

- Которые совершают обрядовую молитву салат и приносят жертвоприношения из того, что Мы дали им в удел.

می‌بینید که نگارنده این سطور نیز، کلمه انفاق را ترجمه نکرده و برای شما به طور تقریبی معنای آن مفهوم است.

در ترجمه پوروخووا کلمه عبد، به نوکر و خدمتکار ترجمه شده، در صورتی که تفاوت است بین عبد و نوکر و خدمتکار.

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِمَّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ^۱

- و اگر در آنچه بر بنده خود نازل کرده ایم شک دارید، پس - اگر راست می گوئید - سوره ای مانند آن بیاورید؛ و گواهان خود را - غیر خدا - فرا خوانید.

(ترجمه دکتر فولادوند)

- و اگر درباره آنچه بر بنده خود [= پیامبر] نازل کرده ایم شک و تردید دارید، (دست کم) یک سوره همانند آن بیاورید، و گواهان خود را - غیر خدا - برای این کار، فرا خوانید اگر راست می گوئید!

(ترجمه آیت الله مکارم شیرازی)

- А если вы в сомнении о том, Что Нашему слуге Мы ниспослали, Составьте хоть одну подобную главу И призовите (всех, кого хотите) В свидетели себе, помимо Бога, Коль вы (в своих словах) правдивы.

جالب است که حدوداً یک قرن زودتر از پوروخووا، کراچکوفسکی این مفهوم را بهتر و به صورت بنده (برده) ترجمه کرده است. اگرچه این ترجمه هم بار معنایی و عرفانی عبد را منتقل نمی کند، واقعاً این مشکل، مشکل کراچکوفسکی نبوده، بلکه به فرهنگ و زبان روسی بازمی گردد که به رغم غنای بسیار بالای ادبی و وجود گنجینه لغات، برای این مفهوم معادلی ندارد. ما فارسی زبانان اگر از کلمه بنده استفاده می کنیم، در متن می فهمیم که اگر این کلمه قبل از کلمه خدا قرار بگیرد، مفهوم خوب و متعالی را دربر دارد و این را شم زبانی به ما می رساند، و گرنه مفهوم بنده در فارسی نیز دربرگیرنده معنای عبد به طور کامل نیست. با وجود این، در روسی معاصر، به مرور در برخی متون، عاشقانه و عارفانه، این کلمه رنگ مثبت می گیرد و اکنون در روسی معاصر، برده خدا، قابل درک است و بار منفی ندارد، اما نوکر خدا و خدمتکار خدا، چون از ریشه انتخاب غلطی است، توجیهی ندارد و گذشت زمان هم به درک مناسب آن هیچ گونه کمکی نخواهد کرد.

پوروخووا تحت تأثیر ولادیمیر سرگی ویچیچ سالاوویوف^۱، فیلسوف روسی، است. سالاوویوف به حق فیلسوفی بزرگ و عقل گراست؛ او برخلاف برخی فیلسوفان غربی، وجود دین را برای توده مردم مضر نمی‌دانست و حذف آن را از جامعه غلط ارزیابی می‌کرد، اما در عین حال، دید مثبتی به خادمان کلیسای ارتدوکس نداشت. او پیامبر اسلام را نیز مصلح می‌داند و نه پیامبر. وی نیز همانند تالستوی، بنای ناسازگاری با کلیسا را گذاشت، ولی تفاوت عمده‌اش با تالستوی تأکید او بر بازگشت از مسیحیت به مسیح است؛ نظری که چندان با تفکر تالستوی که با انحصار حقانیت دین مخالف بود، منطبق نیست.

اگرچه موضع کلیسای ارتدوکس نسبت به سالاوویوف و تالستوی متفاوت بود (اولی را در برهه‌ای از زمان تا قبل از سر کار آمدن کمونیست‌ها تا حد قدیس بالا برد و دومی را تکفیر کرد) در واقع تفاوت چندان بی‌آن دو، از نظر فکری وجود نداشته است. پوروخووا تبعیت از ایده‌های افرادی همچون سالاوویوف را با روح معنوی قرآن نزدیک و منطبق یافته است.

پیداست که با برداشت‌های پوروخووا که در مقدمه ترجمه خود (۱۹۹۷، ص ۷) پس از نقل قول‌هایی از سالاوویوف محتوای همه ادیان را یکی می‌داند، نمی‌توان موافقت کرد؛ زیرا با اینکه اهداف همه ادیان بیان کرامت انسانی و قرب الهی بوده و هست، این ادعا که محتوای همه آنها یکی است و هیچ کدام کامل‌تر از دیگری نمی‌باشد، مردود است. به نظر پوروخووا، تنها تفاوت اسلام با دیگر ادیان الهی از قبیل مسیحیت، یهودیت یا حتی آیین ابراهیم، تحریف نشدن مطالب آن است.

این موضع در قبال قرآن صحیح نیست و موضوع برتری اسلام بر ادیان دیگر را منتفی می‌نماید.

پوروخووا در ارائه معانی ساده برخی آیات نیز دچار خطا شده و حج تمتع و عمره را دو نوع جشن اسلامی! تصور کرده، در صورتی که در آیین اسلام این مراسم، آیین‌هایی عبادی و سیاسی‌اند و جشن مفهوم دیگری دارد که با این منظور و اعمال مطابقت ندارد. پوروخووا «ضالین» را گم‌شدگان ترجمه کرده است که به نظر می‌رسد

این انتخاب، مفهوم گمراه‌شدگان را نمی‌تواند بیان کند و بار معنایی یکسانی ندارد. کلمه گم‌شده، همیشه دارای بار منفی نیست، ولی گمراه بار منفی را به خوبی القا می‌کند.

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ^۱

- راه آنان که گرامی‌شان داشته‌ای، نه [راه] مغضوبان، و نه [راه] گمراهان.

(ترجمه دکتر فولادوند)

- راه کسانی که آنان را مشمول نعمت خود ساختی، نه کسانی که بر آنان غضب کرده‌ای، و نه گمراهان.

(ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی)

- Что Ты избрал для тех, Кто милостью Твоею одарен, Но не для тех, на ком Твой гнев и кто в неверии блуждает.

می‌توان به‌خوبی دریافت که تفاوت فرهنگ‌ها در زبان مبدأ با مقصد و نیز عصر پیدایش قرآن با عصر ترجمه، از مشکلات مهم بر سر ترجمه قرآن در زبان روسی بوده است. مفاهیم قرآنی ممکن است از نظر فرهنگی ناهمگونی وسیعی با فرهنگ زبان روسی داشته باشند؛ از این رو، مترجم ممکن است در یافتن معادل در این زبان با مشکل مواجه شود. ترجمه صحیح قرآن، می‌تواند نقش مهمی در پیشبرد امور فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی مسلمانان روسیه داشته باشد.

به واسطه عدم توفیق در ترجمه مناسب، برخی از علمای اسلامی ترجمه را، به هر شکلی باشد، امری بی‌فایده دانسته‌اند، در حالی که، برخی دیگر بر این نظرند که ترجمه، پل ارتباطی میان دو فرهنگ و دو زبان متفاوت است. این پل را نباید فقط به این دلیل که شاید دشمنی از روی آن عبور کند، ویران کرد؛ بلکه باید آن را به‌درستی استحکام بخشید.

برخی اشتباه‌ها و اشکالات در ترجمه‌های قرآن

امروز در روسیه، عرضه ترجمه و تفاسیر جدید از قرآن و همچنین تجدید چاپ ترجمه‌های قبلی و توجه به علوم قرآنی چنان ابعاد گسترده‌ای به خود گرفته‌اند که

۱. سوره فاتحه، آیه ۷.

به هیچ وجه با دوره شوروی قابل مقایسه نیستند. در سال‌های اخیر نزدیک به ده ترجمه از قرآن به زبان روسی انجام شده است، اما این ترجمه‌ها آن چنان که اشاره شد، اشتباه‌های عدیده معنایی دارند که گاه با ایمان و اعتقادات اسلامی مغایرند. ترجمه قرآن توسط کراچکوفسکی که از ۱۹۶۳ تا کنون، چند بار در روسیه چاپ شده، ترجمه نهایی نبوده و مراحل نهایی تصحیح و رفع اشکالات را طی نکرده، بلکه صرفاً منبع آموزشی در تدریس دانشگاهی و برای امور پژوهشی بوده است. به همین علت گاه در ترجمه یک کلمه، دو عبارت متفاوت آمده‌اند که خواننده را سرگردان می‌سازند.

ترجمه کراچکوفسکی با کوشش زیادی همراه بوده است. وی سعی داشته است متنی شیوا با کمترین افزوده‌های خارج از قرآن را ارائه کند و از عهده این مهم (البته نه به شکل کامل و بی نقص) در زمان خود برآمده است. در این ترجمه، بر حفظ امانت و دقت سعی شده است و می‌توان گفت که ترجمه قرآن توسط کراچکوفسکی، تا کنون دقیق‌ترین و روان‌ترین ترجمه قرآن کریم در زبان روسی محسوب می‌شود.

برخی از این اشکالات و اشتباه‌ها تا حدی قابل اغماض‌اند مانند اشتباه در ترجمه کلمه «رب» که به‌درستی در فارسی پروردگار ترجمه می‌شود، اما مترجمان قرآن به زبان روسی آن را «господь» یا «властитель» که به معنای آقا و سرور و حاکم است، ترجمه کرده‌اند، در حالی که باید از کلمه «воспитатель» که اسم مشتق شده از مصدر «воспитать» به معنای تربیت کردن و به عمل آوردن است، استفاده می‌شد. از قراین امر معلوم می‌گردد که در مواردی مترجمان، مفهوم آیات را به طور کافی درک نکرده یا به جای استفاده از متن اصلی، از ترجمه‌های زبان انگلیسی و فرانسوی استفاده کرده‌اند و چه‌بسا از ترجمه‌ای، ترجمه کرده‌اند که خود آن غلط بوده است.

این گونه نقایص باعث شده‌اند گاه ترجمه‌های غلطی صورت بگیرند، مثلاً در ترجمه کلمه «صمد» آن را به «вечный» یعنی ابدی ترجمه کرده‌اند! از این موارد بدتر، ترجمه‌هایی هستند که مفهوم کلام وحی در آنها تحریف شده است، مثلاً در سوره یوسف (ع) هر جا که موضوع تلاش زلیخا برای وسوسه

کردن حضرت یوسف (ع) مطرح شده (مثل آیات ۲۶ و ۲۹)، این مطلب از عمل غیر واقعی به عملی واقعی ترجمه شده و از آنجا که این فعل روی نداده است، در جملاتی که فعل "соблазнять" به معنای وسوسه کردن آمده، باید قبل از این فعل از فعل "пыталась" یا "хотела" استفاده شود تا به جای تحقق فعل، تلاش یا امکان آن ابراز گردد. تفاوت این دو برداشت را در ترجمه کراچکوفسکی می بینید:

قَالَ هِيَ رَاوَدْتَنِي عَنْ نَفْسِي وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِهَا إِنَّ كَانَ قَمِيصُهُ قُدًّا مِّنْ قَبْلِ فَصَدَّقَتْ وَهِيَ مِنَ الْكَاذِبِينَ^۱

- [یوسف] گفت: «او از من کام خواست». و شاهدهی از خانواده آن زن شهادت داد: «اگر پیراهن او از جلو چاک خورده، زن راست گفته و او از دروغگویان است».

(ترجمه دکتر فولادوند)

- Он сказал: " Она соблазнила меня"; - и засвидетельствовал свидетель из ее семьи: "Если рубаха его разорвана спереди, то она права, а он - лжец.

در خصوص ترجمه اسم «الله»، برخی مترجمان به جای کلمه «الله» از بُگْ استفاده کرده اند. سابلو کف^۲، شوموفسکی^۳، باگوسلوفسکی^۴ و پوروخووا^۵ چنین رویه ای را داشته اند. از سوی دیگر، مشاهده می شود به جای «الله» در فارسی کلمه «خدا» ترجمه می شود و در انگلیسی کلمه "God".

برخی شرق شناسان صاحب نظر روسی مانند یوگنی پیریماکف^۶ معتقدند این موضوع باعث می شود که خواننده روس زبان به غلط تصور نماید که Бог با Аллах تفاوت دارد و این تصور غلط را در واقع مترجمان ترویج کرده اند. به اعتقاد ایشان، هیچ تفاوتی بین خدای مسیحیت و خدای یهودیت با خدای اسلام وجود ندارد. در قرآن مجید از خدای دیگری با نام دیگر برای ادیان الهی نام برده نشده، بنابراین حالا

۱. سورة يوسف، آیه ۲۶.

2. Г. С. Саблуков
3. Т. А. Шумовский
4. Д. Н. Богуславский
5. В. М. Порохова
6. Е. М. Примаков

که این موضوع باعث شبهه در بین مردم روس می‌شود، لازم است مترجمان از به کار بردن کلمه Allah در ترجمه «الله» خودداری نمایند و به جای آن از همان کلمه Бог که در تورات و انجیل است، استفاده کنند.

با وجود این، به‌رغم اختلاف نظر و ادله متفاوت، به نظر می‌رسد رویه مترجمانی مانند کراچکوفسکی، شیدفار، عثمانف، کوئیف^۱ مقبول‌تر است، ولی چون استراتژی معینی از طرف علمای اسلامی برای ترجمه آن ارائه نشده است، هر دو به شکل سلیقه‌ای درست به نظر می‌رسند. در ترجمه کلمه «رب» نیز اختلاف نظر و اختلاف سلیقه وجود دارد، اما به نظر می‌رسد بهتر است از کلماتی که «رب» را آقا و سرور تداعی می‌کنند پرهیز شود؛ زیرا این مفهوم از مفاهیم تثلیثی مسیحیت اقتباس شده است.

کراچکوفسکی با احتساب «بسم الله الرحمن الرحيم» در سوره فاتحه به عنوان یک آیه، شماره آیات را ابتدا با در نظر گرفتن آن شروع کرده، سپس داخل پرانتز یک شماره کمتر همان آیه را شماره‌گذاری کرده است.

توجه شود به شماره آیات در سوره فاتحه و سوره اخلاص:

فاتحه

(1). Во имя Аллаха милостивого, милосердного!

1(2). Хвала - Аллаху, Господу миров

اخلاص

(1). Скажи: "Он - Аллах - един,

1(2). Аллах, вечный;

(کراچکوفسکی، ۱۹۹۱، ص ۱۵)

این موضوع به زیبایی متن صدمه زده، اما با درک این مطلب که او قصد ارائه و درج هر دو نوع شماره آیات را داشته، قابل توجیه است.

اما در جایی که در خود قرآن (سوره نبأ، آیه ۴۰) آیه‌ای با یک شماره ثبت شده و وی آن را به دو آیه تقسیم کرده، قابل توجیه نیست. این مطلب ارتباط منطقی داخل جمله را نیز تا حدی از بین برده است.

40 - Мы предостерегли вас близким наказанием.

41 - в тот день, когда человек увидит, уготовил его руки, и скажет неверный - О, если бы я был прахом.

(کراچکوفسکی، ۱۹۹۱، ص ۴۶۳)

در صورتی که فقط با گذاشتن ویرگول به جای نقطه، می شود مانع از تقسیم کردن آن به دو آیه شد.

40 - Мы предостерегли вас близким наказанием, в тот день, когда человек увидит, уготовил его руки, и скажет неверный - О, если бы я был прахом.

اولین ترجمه های قرآن به زبان روسی در دوره پس از فروپاشی شوروی متعلق به والریا پوروخووا^۱ و نوری محمد عثمانف^۲ است. هر دو ترجمه اشکالات متعددی دارند، اما ترجمه والریا پوروخووا به علت عدم اطلاع وی از زبان عربی و تلاش وی برای به نظم درآوردن ترجمه آیات، کاستی های بیشتری دارد.

در ترجمه اولین آیه از سوره بکد، کراچکوفسکی و پوروخووا، معنی «لا»ی تأکید را نفی درک کرده و ترجمه کرده اند، من قسم نمی خورم به این شهر. در ترجمه های فارسی قرآن هر دو نوع ترجمه وجود دارد.^۳ اما شیدفار ترجمه کرده است، من قسم می خورم به این شهر!

- Не клянусь этим городом!
- Не буду клясться я сим городом (святым),
- Клянусь сим поселением,

ترجمه قرآن توسط کراچکوفسکی که بدون هیچ اصلاحاتی و چند نوبت با تیراژ بالا به چاپ رسیده، در برخی سوره های جزء سی اشکالاتی اساسی دارد که بعید به نظر می رسد ترجمه کراچکوفسکی باشد. این موارد به نوعی دعوت به اسلام نیستند و دعوت به کفرند. این اشتباه ها نشان دهنده تحریف قرآن اند و تجدید چاپ، به خصوص در جاهایی که معنای متضاد و منفی تداعی و منتقل می شود،

1. Валерия Пороховоа

2. Магомед-Нури Османова

۳. برای نمونه به ترجمه معزی و الهی قمشه ای نگاه کنید. به نظر برخی متخصصان در علوم قرآنی، ترجمه عبارت لا اُقسمُ به «قسم نمی خورم»، در این گونه آیات به دلیل عظمت و فراتر از حد قسم خوردن برای آن موجود است.

قابل اغماض نیست. برای نمونه به ترجمه سوره کافرون در ترجمه کراچکوفسکی^۱ نگاه کنید.

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ (۱) لَأُعْبِدُ مَا تَعْبُدُونَ (۲) وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (۳) وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ (۴) وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ (۵) لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ (۶)

1 (1) Скажи: "О вы неверные!

2 (2) Я не стану поклоняться тому, чему вы будете поклоняться.

3 (3) и вы не поклоняйтесь тому, чему я буду поклоняться.

4 (4) И я не поклонюсь тому, чему вы поклонялись,

5 (5) и вы не поклонитесь тому, чему я буду поклоняться.

6 (6) У вас - ваша вера, и у меня - моя вера!"

در ترجمه آیه سوم این سوره از جانب پیامبر به کفار گفته شده، پرستش ننمایید آنچه را (آن خدایی را) که من خواهم پرستید! با وجود این، ایرادی به کراچکوفسکی وارد نمی‌شود؛ چون وی قصد چاپ را هنوز در حیات خود نداشته است و به تأیید همه افراد اهل فن و شرق‌شناسان روسی، همین ترجمه شروع عصر جدیدی در ترجمه قرآن و ارتقای آن به زبان روسی محسوب می‌شود.

در سوره یوسف، آیه ۷، فعل «كَانَ»، اغلب توسط مترجمان روسی و حتی فارسی، گذشته ساده ترجمه شده است.

لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِّلسَّائِلِينَ

- در (داستان) یوسف و برادرانش، نشانه‌های (هدایت) برای سؤال‌کنندگان بود!

(ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی)

- به‌راستی در [سرگذشت] یوسف و برادرانش برای پرسندگان عبرت‌هاست.

(ترجمه دکتر فولادوند)

۱. کراچکوفسکی از اعضای برجسته فرهنگستان علوم و از شرق‌شناسان برجسته شوروی بوده است. با اینکه ترجمه وی برتری‌های فراوانی نسبت به ترجمه‌های ماقبل دارد، به تصحیح در ابعاد مختلف احتیاج دارد و گاه دچار اشتباه‌های حادی است (این اشتباه‌ها بیشتر در مواردی رخ داده‌اند که در حیات وی، ترجمه بخش‌هایی از قرآن انجام نشده بود و بعد از او هم به شکل صحیح، انجام و تکمیل نشد).

ولی شیدفار آن را حال ساده ترجمه کرده و بدین ترتیب، ترجمه از اینکه «داستان عبرت بود» به معنای درست «عبرت است» تصحیح شده است.

- Были в Йусуфе и его братьях знамения для вопрошающих.

(ترجمه کراچکوفسکی)

- В (истории) Йусуфа с братьями его Были знамения для тех, то вопрошал.

(ترجمه پوروخووا)

- Рассказ о Юсуфе и братьях его для спрашивающих — дивное знамение.

(ترجمه شیدفار)

در سوره یوسف، آیه ۳۱، عبارت «حَاشَ لِلَّهِ» توسط مترجمان به شیوه‌های مختلف ترجمه شده است و برای خواننده معلوم نمی‌شود که کدام ترجمه صحیح است.^۱

فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ مُتَّكًا وَأَتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ

- پس چون [همسر عزیز] از مکرشان اطلاع یافت، نزد آنان [کسی] فرستاد، و محفلی برایشان آماده ساخت، و به هریک از آنان [میوه و] کاردی داد و [به یوسف] گفت: «بر آنان در آی». پس چون [زنان] او را دیدند، وی را بس شگرف یافتند و [از شدت هیجان] دست‌های خود را بریدند و گفتند: «منزه است خدا، این بشر نیست، این جز فرشته‌ای بزرگوار نیست».

(ترجمه دکتر فولادوند)

- پس هنگامی که بانوی کاخ گفتار مکرآمیز آنان را شنید [برای آنکه به آنان ثابت کند که در این رابطه، سخنی نابجا دارند] به مهمانی دعوتشان کرد، و برای آنان تکیه‌گاه آماده نمود و به هریک از آنان [برای خوردن میوه]

۱. دکتر الهی قمشه‌ای (۱۳۶۲) در ترجمه این عبارت از ترجمه به فارسی خودداری کرده و عبارت عربی دیگری را جایگزین کرده و نوشته است، «تبارک الله!»، در حالی که در سایت پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی (<http://www.maarefquran.net>) از ترجمه به فارسی خودداری شده و عیناً همان عبارت در متن فارسی گنجانده شده است.

کاردی داد و به یوسف گفت: به مجلس آنان در آی. هنگامی که او را دیدند به حقیقت در نظرشان بزرگ [و بسیار زیبا] یافتند و [از شدت شگفتی و حیرت به جای میوه] دست‌هایشان را بریدند و گفتند: حاشا که این بشر باشد! او جز فرشته‌ای بزرگوار نیست.

(ترجمه حجت‌الاسلام انصاریان)

در این ترجمه عبارت «حَاشَ لِلَّهِ» ترجمه شده به «حاشا که» و کلمه «لِلَّهِ» ترجمه نشده است.

پوروخووا ترجمه کرده است «خدایا حفظ کن ما را»، کراچکوفسکی ترجمه کرده است «دور از خدا» و شیدفار نوشته است «خدایا نجاتمان بده». به نظر می‌رسد مفهوم ارائه‌شده توسط پوروخووا و شیدفار دور از معنای این عبارت در آیه ۳۱ نباشد، ولی به هر حال اینها معادل کلمه به کلمه نیستند و احتمالاً معادل عربی در فارسی و روسی وجود نداشته است.

- Услышав пересуды (этих дам), Она послала (их созвать), И приготовила места для возлежания, И каждой (гостье) нож дала, И позвала (Йусуфа): «Выйди к ним!» Когда они увидели его, Они его превознесли (И в похотливом вожделении своем) Порезали себе (ножами) руки и молвили: «Убереги нас Бог! Это – не (смертный) человек, А благородный ангел!"

(ترجمه پوروخووا)

- Когда она услышала про их ухищрения, то по - слала к ним и приготовила им для возлежания и дала каждой из них нож и сказала: "Выйди к ним! Когда же они увидели его, то возвеличили его, и порезали себе руки, и сказали: "Далек Аллах! Это - нечеловек, это - только благородный ангел".

(ترجمه کراچکوفسکی)

- И услышав об их упреках, она послал за ними и приготовила им ложе, дала каждой из них нож и сказала Юсуфу: «Выйди к ним». И, увидев его, женщины поразились, так что поранили себе руки, и воскликнули: «Спаси нас Боже, это не человек это благороднейшее небесное создание».

(ترجمه شیدفار)

اما در باب ترجمه کولیف، می‌توان گفت ترجمه وی تا حدی ایدئولوژیک می‌نماید. وی معتقد است، اینکه برخی مترجمان وجه خدا را ذات و وجود معنی می‌کنند، غلط است و خدا دارای صورت و چهره است و کلمه وجه را نباید ذات و وجود ترجمه کرد.^۱

کولیف اصرار دارد که شرط مسلمان بودن این است که باید مسلمان ایمان داشته باشد که خدا وجه دارد و در ارتباط با تصور از خدا، با استفاده از تفاسیر اهل سنت، صفات خدا را جسمانی بینگارد و شبیه انسان بداند. وی در خصوص آیاتی که کلمه دست در معنای مجازی آن به کار رفته، اعتقاد دارد و در ترجمه هم درج نموده و در توضیحات آورده است که دست خدا یا دستان خدا یا هر دو دست، به معنای دست واقعی است و با مترجمانی که دست خدا را قدرت و اراده خدا ترجمه کرده‌اند، مخالفت می‌ورزد. دکتر الهی قمشه‌ای نیز اگرچه در ترجمه آیه ۷۵ سوره ص، از دست خدا استفاده کرده ولی در پرانتز نوشته است علم و قدرت. البته ناگفته نماند، اکثر مترجمان روسی هم مانند ایشان در ترجمه، دست خدا را به کار برده‌اند، ولی اصراری نداشته‌اند که منظور از دست، دست واقعی است و نه مجازی.

قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي أَسْتَكْبِرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ

- خدا فرمود: ای ابلیس، تو را چه چیزی از سجده کردن بر آنچه که با دستان

قدرت خود آفریدم، بازداشت؟ آیا تکبر کردی یا از بلندمرتبه‌گانی؟

- Он сказал: «О Иблис! Что помешало тебе пасть ниц перед тем, кого Я сотворили Своими обеими Руками? Ты возгордился или же принадлежишь к числу превозносящихся?»

(ترجمه کولیف)

- [الله] спросил: «О Иблис! Что помешало тебе поклониться

۱. به نظر می‌رسد اصرار وی بر عدم ترجمه معانی مجازی که برای کلمات متصور است، از دیدگاه زبان‌شناسی نیز مردود باشد. در سوره بقره آیه ۱۱۵ به صراحت در جایی که کلمه وجه به کار رفته، از مفهوم متن معلوم است که این نه صورت و چهره، بلکه مراد وجود خداوند است، که همه جا حضور دارد. به هر سوی که روی برگردانید، به وجود (وجه) خداوند رجوع کرده‌اید.

тому, кого я сотворил своею мощью? Ты возгордился или ты считаешь себя выше?»

(ترجمه عثمانف)

او با استناد به سخنان امام اهل سنت، اشعری، استدلال می‌نماید که اگر در آیه ۷۵ سوره ص، منظور قدرت بوده و نه دست، ضرورتی نداشته است به شیطان بگوید من انسان را با دستان خودم ساختم؛ زیرا اگر دست به معنای قدرت باشد، چه فرقی می‌کند بین خلقت ابلیس و انسان؟!

کولیف اعتقاد خود را در ترجمه با درج عبارت:

- Я сотворили Своими обеими Руками...

وارد کرده، اما عثمانف ترجیح داده است مانند اکثر مترجمان، مفهوم درست را منعکس نماید:

- Я сотворил своею мощью ...

به هر حال واضح است استدلال‌های وی از منظر زبان‌شناسی مردودند و از نظر اعتقادی هم با اعتقادات شیعیان و معتزله مطابقت ندارند.

کولیف درباره آیه ۴۲ سوره قلم نیز به شیدفار و دیگر مترجمانی که عبارت «يُكْشِفُ عَنْ سَاقٍ» را ساق پای خدا ترجمه نکرده‌اند، ایراد گرفته است.

يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ

- روزی که کار، زار [و رهایی دشوار] شود و به سجده فرا خوانده شوند و در خود توانایی نیابند.

(ترجمه دکتر فولادوند)

- (به خاطر بیاورید) روزی را که ساق پاها (از وحشت) برهنه می‌گردد و دعوت به سجود می‌شوند، اما نمی‌توانند (سجود کنند).

(ترجمه آیت‌الله مکارم شیرازی)

در ترجمه‌ها می‌بینیم، برخی معادلی برای عبارت «عَنْ سَاقٍ» نیافته، برخی آن را ساق پای گنهکاران ترجمه کرده و برخی هم مفهومی دیگر را تصور نموده‌اند.

کولیف با استناد به تفاسیر سلفی‌ها، اعتقاد دارد منظور ساق پای خداست!

- В тот день, когда обнажится Голень Аллаха, их призовут пасть ниц, но они не смогут сделать этого.

(ترجمه کولیف)

- И в тот День тяжкий призовут их сотворить земной поклон, но не в силах они будут совершить поклонение.

(ترجمه شیدفار)

وی در توضیحات خود در ارتباط با ترجمه این آیه، ناتوانی عده‌ای از گناهکاران در روز قیامت، در انجام سجده به خدا را علت ابهت و هیبت از آشکار شدن ساق پای خدا، عنوان نموده است! وی در مورد آیه ۴۸ سوره طور نیز بر این باور است که خداوند دارای دو چشم است:

وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ

- و در برابر دستور پروردگارت شکیبایی پیشه کن که تو خود در حمایت مایی و هنگامی که [از خواب] برمی‌خیزی به نیایش پروردگارت تسبیح گوی.

(ترجمه دکتر فولادوند)

- Потерпи же до решения твоего Господа, ведь ты – у Нас на Глазах. Прославляй хвалой своего Господа, когда поднимаешься ото сна.

و در توضیحات خود با استناد به حدیثی از البخاری و استدلالات ابن کثیر، احتمال یک چشم داشتن خدا را مردود اعلام کرده و باور به دو چشم داشتن برای خدا را القای نماید!

به نظر می‌رسد اشکال کار مترجمان قرآن، در برخی موارد هنگامی روی داده است که استنادات به کتب تفسیر و منابع روایی را بدون توانایی‌ها و معیارهای لازم، منطقی کلامی و فلسفی و به واسطه گرایش‌های اعتقادی پذیرفته‌اند. ضمن آنکه امروز می‌دانیم، عدم توجه و احاطه به تئوری‌های متن و ترجمه، تأویل و هرمنوتیک، سبب می‌شود که ترجمه، از ترجمه تحت‌اللفظی بیرون نرود.

پوروخووا (۱۹۹۷) در تفسیر آیه ۲۵۱ سوره بقره، حضرت داوود پیامبر را علاوه بر صفات پسندیده مختلف، موسیقی‌دان هم معرفی می‌کند! این موضوع حاکی از آن است که اطلاع وی از مواضع اسلام در برابر موسیقی کامل نیست، اما

به هر حال حتی اگر مواضع معتدل را در ارتباط با پذیرش انواعی از موسیقی که غنا نیستند و باعث ضرر و بطالت نگردند بپذیریم، ملقب کردن پیامبر بزرگی مانند حضرت داوود به موسیقی دان یعنی خُنیاگر و مغنی! در عرف اسلامی مردود است و قابل پذیرش نیست. با وجود این، اگر مراد ایشان صدای خوش بوده است این موضوع دال بر موسیقی دان بودن نیست.

پوروخووا قسم‌های قرآن را قسم ترجمه نکرده و آنها را «به نشانه» یا «В знак» ترجمه کرده است! در صورتی که یکی از ظواهر زیبایی ادبی قرآن همین قسم‌های زیباست؛ قسم‌هایی که بر ارزش مخلوق و شیء تأکید می‌نهند و به طور محسوسی مخاطب را به خود جلب می‌کنند. حذف این قسم قاعدتاً غلط است و به ظاهر و باطن ترجمه قرآن صدمه می‌زند. بهترین اشعار لرماتتف، شاعر شهیر و بزرگ روس، اشعاری هستند که با الهام از قرآن و ترجمه این قسم‌ها چنان جاذبه‌ای در خواننده ایجاد می‌کنند که او چاره‌ای نمی‌بیند جز اینکه به قرآن حتی برای کنجکاوی هم شده، مراجعه کند و اصل این قسم خوردن‌ها را در متن اصلی ببیند. چگونه است که پوروخووا به این نکته مهم واقف نبوده است!

در سوره نازعات، خداوند در نخستین آیه به نازعات قسم خورده است.

وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا

نازعات، فرشتگانی هستند که جان مردم را می‌گیرند، یا روح کافران را به شدت قبض می‌کنند، یا ستاره‌هایی هستند که از مکانی در آسمان غیب شده، در مکان دیگر پیدا می‌شوند.

در هر صورت خداوند به فرشتگان، به عنوان واسطه‌هایی در تدبیر امور جهان سوگند یاد کرده است و اهمیت نقش آنها را بازگو می‌کند.

پوروخووا (۱۹۹۷، ص ۶۳۴) آیه اول از این سوره را به این شکل ترجمه کرده است:

- В знак тех, кто с силой исторгает.

عثمانف (۱۹۹۵، ص ۳۸۰) ترجمه کرده:

- Клянусь ангелами, исторгающими с силой,

و کراچکوفسکی (۱۹۹۱، ص ۴۶۲) ترجمه کرده است:

- Клянусь вырывающими с силой,

با مراجعه به متن قرآن کاملاً مشخص می‌شود که حرف «و» در اول این سوره قسم است، اما پوروخووا این قسم را ترجمه نکرده و آن را «به نشانه» ترجمه کرده که ظاهراً به واسطه ترجمه از ترجمه انگلیسی دچار این اشتباه شده است. در سوره تبت، به ابولهب و همسر آتش افروز او که از سردمداران مشرکان مخالف پیامبر بودند، پرداخته شده است. در این سوره نفرین شده است که بریده باد دستان ابولهب و خودش نابود باد.

در شأن نزول این سوره مورخان می‌نویسند: روزی پیامبر اسلام (ص) اقوام خود را دعوت کرد و گفت: اگر من به شما بگویم صبح یا عصر دشمنی به سراغ شما می‌آید باور می‌کنید یا نه، همه گفتند: بلی، فرمود: قبل از رسیدن عذاب سختی به شما اعلام خطر می‌کنم. ابولهب که به دلیل گونه‌های سرخش او را ابولهب می‌نامیدند، گفت: نابود شوی آیا به همین دلیل ما را دعوت کرده‌ای! این سوره نازل شد:

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ

- بریده باد دو دست ابولهب، و مرگ بر او باد.

(ترجمه دکتر فولادوند)

پوروخووا (۱۹۹۷، ص ۶۶۱) این آیه از سوره تبت را به این شکل ترجمه کرده است:

- Проклятие рукам абу Ляхаба!

И сам он – будь он проклят,

عثمانف (۱۹۹۵، ص ۳۹۸) ترجمه کرده:

- Да отсохнут руки абу лахаба!

Да сгинет он сам!

و کراچکوفسکی (۱۹۹۱، ص ۴۸۶) ترجمه کرده است:

- Пусть проподут обе руки абу Лахаба,

а сам он пропал!

با مراجعه به متن قرآن مشخص می‌شود که ترجمه آن «بریده باد هر دو دست ابولهب» بوده و این سوره از آینده مجهولی خبر داده است و این اخبار غیبی حقیقت

پیدا کرد و دو دست ابولهب نابود شدند. و این موضوع از پیشگویی‌های قرآن بوده و نکته کوچکی نبوده است که اصلاً پوروخووا ترجمه نکند و فقط به این اکتفا کرده است که نفرین بر ابی لهب باد.

از ترجمه‌های معاصر که اخیراً چاپ شده، ترجمه منظوم تئودر آداموویچ شوموفسکی^۱ است. از ایرادهایی که به ترجمه شوموفسکی وارد است، عدم احاطه و معلومات تخصصی وی در حیطه اسلام‌شناسی و قرآن است. وی بیشتر زبان‌شناس و تاریخ‌دان است و اندیشه‌های فلسفی و الهیات وی در حد یک متخصص علوم اسلامی نیست. با وجود این، ترجمه منظوم او ترجمه‌ای احساسی و دارای ظواهر زیباشناسانه ادبی است که روان، شیوا و با ریتم مناسبی نگاشته شده، ولی استنادات و تعبیرات او مبنای قوی‌ای برای شناخت اسلام و احاطه به معانی قرآن ندارند. نمود این موضوع را از همان به اصطلاح «ب» بسم الله ترجمه وی می‌توان استنباط کرد. وی در ترجمه جمله «بسم الله الرحمن الرحيم» می‌نویسد: به نام خدایی که قلبش مهربان است.

- Во имя Господа, Чье сердце милосердно, Чьей милости хотим, о ней прося усердно! Хвала Ему, Властителю миров, Над бытием простершему покров ...

او در این ترجمه نه از کلمه «الله» استفاده کرده و نه از کلمه بُگْک، بلکه کلمه گاسپوت را که مأنوس در الهیات مسیحیت است، به کار برده است. احتمال می‌رود شوموفسکی در کاربرد کلمات، بها و اولویت را به فرم داده و برای به دست آوردن ریتم و قافیه این رویه را اتخاذ نموده است. اگر چنین باشد که ظاهراً هست، ترجمه وی کمی پایین‌تر از ترجمه پوروخووا قرار می‌گیرد و از نظر انتقال مفاهیم به ترجمه‌های کراچکوفسکی، عثمانف، شاریپف‌ها و شیدفار نمی‌رسد.

از اشتباه‌های مشترکی که همه مترجمان قرآن در روسیه از آنها دور نمانده‌اند، تأثیر مذهب ارتودکس بر انتخاب کلمات آیینی در ترجمه متون اسلامی و قرآن است. برای نمونه، در ترجمه‌های یادشده، تفاوتی بین نماز و دعا قائل نشده‌اند، و این موضوع در همه ترجمه‌های موجود نیز به چشم می‌خورد.